



سوره مبارکه فاطر

جلسه اول: ۹۲/۷/۲

✽ نکاتی که از یک دور خواندن اجمالی از سوره به دست آمده است:

- آغاز سوره با صفت فاطریت خداوند شروع شده است و بیان نموده‌های مختلف خلق در سوره
- هیچ کس نمی‌تواند مانع رحمت خداوند شود.
- فقر کامل ذاتی مردم در قبال غنای مطلق خداوند
- رسول قرار گرفتن ملائکه
- جریان تکذیب رسولان الهی
- غرور
- عداوت شیطان در زندگی ما
- عدم تساوی‌ها
- اطلاق عزت به خداوند
- بیان شاخص از نعمت‌های قرار گرفته در اختیار انسان
- قانون اینکه هر کسی بار خودش را به دوش می‌کشد.
- خلیفه شدن انسان‌ها (جریان پی‌درپی انسان‌ها بر روی زمین)
- خشیت از خداوند که قیام ویژه علماست.
- نظام بهره‌مندی از نعمت‌ها و موقعیت‌ها در عین اختلاف میان آنها
- سنت خداوند
- نور مؤمنان و ظلمت کفار (نور)
- وعده‌های خاص بهشتی
- دسته‌بندی سه‌گانه عباد
- نذیر و مقابله با آن
- خسارت ناشی از کفر

توضیحات استاد:

- این سوره، به نوعی سوره رنگین قرآن است. هیچ سوره‌ای رنگ‌هایش مانند سوره فاطر نیست.
- گرچه در عمق رنگارنگ بودنش حزنی عمیق و استثنايي خوابیده است.

- حضرت علامه آیه ۱ را یک دسته در نظر گرفته‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعٌ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)
 سپاس خدای را که پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین است [و] فرشتگان را رسولانی کرد که دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند. در آفرینش، هر چه بخواهد می‌افزاید، چرا که خدا بر هر چیزی تواناست.

- ملائکه موجودات با شعوری هستند که از شدت آکندگی هیچ چیزی غیر از امر الهی در آنها جاری نمی‌شود و هیچ اراده‌ای در مقابل اراده الهی نمی‌کنند.

- آنها موجودات ذی‌شعوری هستند که با آنها «توسل» صورت می‌گیرد.

- آنها چون در عالم امر هستند شعورشان با هیچ آلودگی و آفت و محدودیتی قاطی نیست تا آنها را در مقابل خدا قرار دهد.

- آنها خاضع محض خدا هستند.

- در عالم امر حامل و محمول از یک جنس هستند و با هم ارتباط دارند در حالی که در دنیا لزوماً این‌گونه نیست مثلاً وادت هیچ درکی از آنچه حمل می‌کند ندارد.

- نتیجه مهم از این مسئله این است که در قیامت همه آنچه که ما از دنیا با خود می‌بریم حتماً باید آنها را فهم کرده و در ما جاری شده باشند وگرنه آنچه که حمل کنیم ولی فهمی از آن نداشته باشیم به هیچ کاری نمی‌آیند.

- در عالم امر مانند این عالم «تباین» وجود ندارد، بلکه در آنجا «سنخیت» وجود دارد. مثلاً اگر در این عالم دائماً درباره توحید سخن گوئیم اما اگر با وجودمان سنخیت پیدا نکند در قیامت به هیچ کارمان نمی‌آید.

- خدا ملائکه را آفریده است تا امر خدا را حمل کنند بنابراین باید معرفت آنچه را که حمل می‌کنند داشته باشند.

- فلسفه وجودی ملائکه «وساطت» است و نباید دنبال نفع دیگری درباره آنها باشیم.

- ملائکه «مراتب» دارند و هر ملکی فهم مرتبه خودش را دارد.

- ملائکه «علم محض» هستند و به اندازه علمشان، اراده هم دارند. علم آنها با هیچ جهلی قاطی نیست.

- آنها چنان علم و معرفت دارند و اراده خدا را فهم کرده‌اند، کاینه اراده ندارند.

- بنابراین مطالبی که درباره پطرس گفته می‌شود، صد در صد نادرست است.

- چون ملائکه هر کاری انجام می‌دهند به امر خدا انجام می‌دهند، قطعاً شکست نمی‌خورند. بنابراین هر کسی کاری کند که ملائکه وارد زندگی‌اش شوند، قطعاً شکست نخواهد خورد.

- اگر ملائکه کسی را مدد کنند او می‌تواند به امت تبدیل شود و یک نظام را تغییر دهد. مانند حضرت ابراهیم.

- ملائکه صورت مادی ندارند و تمثیل ایجاد می‌شود تا بتوانند ظاهر شوند. تمثیل یعنی صورت مادی از آنها ایجاد می‌شود تا بتوانند ظاهر شوند.

- بررسی چند واژه از آیه ۱ در التحقیق:

✓ رسول (التحقیق): نفوذ کردن همراه با حمل. هم تحرک می‌خواهد و هم سیر.

یعنی هم نفوذ می‌کنند و هم چیزی را با خودشان می‌آورند، بنابراین «رسول بودن ملائکه» یعنی آنها هم نفوذ کرده و هم چیزی با خودشان می‌آورند و چون در عالم امر هستند خودشان و محمولشان یک سنخ هستند.

ابزار ملائکه برای جاری کردن امر «جناح و بال» است.

✓ جناح (جَنَح: التحقيق): میل و رغبت پیدا کردن به سمت شیء یا عمل یا یک طرف را جَنَح گویند. جناح بیشتر در باب پرنده استعمال شده است. زیرا بال چیزی است که پرنده به واسطه آن به جایی میل و رغبت پیدا می‌کند. بال در پرنده مانند «دست» در انسان است. «دست» یکی از خاصیت‌های مهمی که در انسان دارد این است که اسباب مهمی برای میل و رغبت است. بنابراین بال در پرنده مصداق اتمی است برای میل و رغبت و حرکت. بنابراین دور نیست که واژه جناح را به آن چیزی اطلاق کنیم که میل و رغبت و حرکت در عالم ملائکه ایجاد می‌کند. جناح توانی است که ملائکه از آن استفاده می‌کنند تا اراده و میلی را که باید انجام دهند صورت گیرد.

جمع‌بندی آیه ۱:

- ✓ حمد خداوند در مقام فاطریت خداوند مورد توجه قرار گرفته است.
- ✓ یعنی خداوند باریتعالی موجودات را از عدم آفریده است.
- ✓ موجودات از «نیستی»، حیثیت «هستی» پیدا کرده‌اند.
- ✓ بنابراین موجودات فقر و نیاز محض هستند.
- ✓ در این سوره در موضوع فاطریت خدا، تأکید روی بحث ملائکه شده است که خداوند تمامی ملائکه را رسول قرار داده است.
- ✓ بنابراین فلسفه وجودی ملائکه رسالت است.
- ✓ این رسالت بسیار مهم است زیرا ما آب نمی‌خوریم مگر به وساطت ملائکه. حرف نمی‌زنیم مگر به وساطت ملائکه. گیاه رشد نمی‌کند مگر به وساطت ملائکه. آبی از آسمان به زمین نمی‌رسد مگر به وساطت ملائکه. حتی ایده‌ای به ذهن ما نمی‌رسد مگر به وساطت ملائکه و ...
- ✓ به همین علت از همه مخلوقات تعدادشان بیشتر است.
- ✓ آنها به تنوع امر خدا، تنوع دارند.
- ✓ فرشتگان دائماً در حال ایجاد شدن هستند و تا ابد هم می‌مانند.
- ✓ ملائکه در راهشان ابزاری دارند که ابزار آنها برای ما مشخص و واضح نیست.
- ✓ خداوند اصرار دارد که بگوید: اینها دوتایی و سه تایی و چهارتایی و ... هستند.
- ✓ ما اجمالاً می‌دانیم که آنها موجودات مهمی هستند و زندگی کردنمان باید همراه با ملائکه باشد.
- ✓ ضمناً می‌دانیم که خدا بر هر چیزی قادر است یعنی هر چیزی را تقدیر و اندازه کرده است و طبق اندازه آن چیز هدایت نازل می‌کند و مسیر ربوبیت باز می‌کند و اقتضاء می‌آفریند.
- ✓ در آیات یعدی شئونات این مسئله باز خواهد شد.

✓ اینکه:

- چگونه فاطریت خدا را بفهمیم
- و حمد خدا را از فاطریتش بفهمیم
- و چگونه همراهی ملائکه را که رسول هستند در زندگی دریابیم،
- ✓ از آیات بعدی میسر خواهد شد.
- ✓ حداقل باید بدانیم که ما در زندگی کلی و به صورت جزئی به ملائکه نیازمندیم.

زنگ دوم:

حضرت علامه آیات ۲ تا ۸ را دسته دوم در نظر گرفته‌اند.

دسته دوم آیات ۲ تا ۸:

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲)
هر رحمتی را که خدا برای مردم بگشاید، بازدارنده‌ای برای آن نیست، و آنچه را که بازدارد، پس از آن، کسی قادر به فرستادن آن نیست، و او شکست‌ناپذیر حکیم است.
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرِثُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۳)
ای مردم! نعمت خدا بر خودتان را یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست، پس چگونه [از حق] برگردانده می‌شوید؟
وَ إِنْ يَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴)
و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً پیش از تو [هم] فرستادگانی تکذیب شدند، و [همه] کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود.
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۵)
ای مردم! همانا وعده‌ی خدا حق است، پس مبدا زندگی دنیا شما را فریب دهد، و زنهار تا [شیطان] فریبکار، شما را به [کرم] خدا نفریبد.
إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)
در حقیقت، شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید. جز این نیست که او گروه خود را می‌خواند تا از دوزخیان شوند.
الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)
کسانی که کافر شدند، عذابی سخت خواهند داشت، و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، برای آنها آمرزش و پاداشی بزرگ است
أَفَمَنْ زُجِنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)
آیا آن کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند [مانند مؤمن نیکوکار است]؟ پس خداست که هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند. پس مبدا جان تو بر سر اندوه بر آنها [از کف] برود. قطعاً خدا به آنچه می‌کند داناست.

آیه ۲: از آیه ۱ سه مورد زیر به دست آمد:

- ۱) اگر انسان پذیرفت که خداوند فاطر است ← هیچ شیئی از خودش چیزی ندارد مگر به افاضه خداوند
- ۲) اگر انسان پذیرفت که تحقق فاطریت (افاضه فیض) خداوند واسطه‌هایی دارد.
- ۳) اگر انسان پذیرفت که این واسطه‌ها در نهایت نزهت، پاکی، دوری از معصیت، محدودیت و نقص هستند.

خزینه در نزد خداوند به واسطه فاطریت

(رحمت) افاضه هر فیضی / دستیابی به هر غایتی / رسیدن به هر کمالی / رفع هر نقصی / ایجاد هر موفقیتی

حکیم است

عزیز است

- اگر خداوند خواست نزول این فیض را، هیچ چیزی «مانع آن» نمی‌شود.

- اگر خداوند نخواست نزول این فیض را، هیچ چیزی «رسول آن» نمی‌شود.

- بنابراین اگر خداوند بخواهد چیزی به انسان برسد، واسطه‌ها سر سوزنی کوتاهی نمی‌کنند.

- خدا عزیز حکیم است و واسطه‌ها نیز عزیز حکیم‌اند.

- خدا اگر بخواهد اتفاقی بیفتد می‌افتد و اگر نخواهد نمی‌افتد.

- نتیجه:

✓ اگر همه چیز را فراهم شود، انتظار ندارد که نتیجه حاصل شود!

✓ اگر هیچ زمینه‌ای هم فراهم نباشد، انتظار دارد که نتیجه حاصل شود!

- این قانون به فرد کمک می‌کند که وقتی همه چیز دارد «امیدوار» نباشد و وقتی هم که هیچ چیز ندارد، «مأیوس» نشود.

- همه کارهای خدا نظام دارد و حکمت اما نه آن نظامی که ما فکر می‌کنیم.

- اعمال ما یک سری چیزها را رقم می‌زنند اما آنها «علت تامه» نیستند. علت تامه فقط اراده خداست.

- اعمال ما بهانه‌آفرین و اقتضاء‌آفرین است.

- خدا بدهکار عمل آدم‌ها نیست و اگر کسی را به بهشت می‌برد، طبق اراده خدا صورت می‌گیرد.

- در «دعا» کردن به هیچ وجه نباید اصرار داشت اما در «سئوال» می‌توان اصرار نمود.

- «دعا»، در کلیات است و «سئوال» در جزئیات.

- آیه ۳: این آیه بیان دیگری از دغدغه‌ای است که برای آدم‌ها وجود دارد.

- متأسفانه عموم آدم‌ها اهل نق زدن هستند.

- اگر انسان نعمت‌های خود را لیست کند، دیگر نداشته‌هایش به نظرش نمی‌آید و از درخواست‌ها و جزع و فزع کردن‌های خود خجالت می‌کشد.

- توجه: انسان‌ها چون نعمت دارند، مصائب برایشان مصائب است. مثلاً کسی که چشم دارد، چشم درد برایش مصیبت می‌شود. کسی

که خانه دارد، زلزله برایش مصیبت است و اگر خانه نداشته باشد زلزله برایش مصیبت نیست.

- هیچ نعمتی در عالم بالاتر از «وجود» نیست. ما هستیم، می‌شد که نباشیم، نه در گذشته و نه در آینده.

- برای انسان باید «نعمت وجود» چنان جلوه کند که بقیه نعمت‌ها را نبیند.

- ما چون امید به احیا شدن دوباره بعد از مرگ داریم، امید به زندگی کردن در ما هست.

- این سوره می‌خواهد بگوید «خدا فاطر است»، پس همه چیز در گرو قدرت اوست. برای این کار رسولانی دارد که این رسولان در

نهایت قدرت و توان و در عین حال پاکی و صداقت‌اند. حال خدا باید بخواهد که در خزینه‌اش را باز کند یا نکند. پس اراده خدا

علت تامه است. بنابراین اگر در زندگی برای رسیدن به چیزی بسیار تلاش کردیم اما نشد، نباید قاطعی کنیم و گیر دهیم. حداقل باید

خدا را در حد مادر قبول داشته باشیم. ضمناً هرگاه مصائبی برایمان اتفاق افتاد، نعمت‌هایمان را لیست کنیم.

- ما خدا و رسول و ملائکه را به درستی نشناخته‌ایم و همین موضوع باعث شده که مواقعی حرص بزنیم که جای حرص زدن نیست و مواقعی بی‌خیالی کنیم که جای بی‌خیالی نیست.
- حل این مشکل چنین است که حواسمان به نعمت‌های خدا باشد.
- حواسمان باشد که آنچه داریم از جانب خداست و می‌شد که آنها نباشند. دیگران نمی‌توانند آنها را ایجاد کنند.

* انشاءالله خدا به ما کمک کند تا اتفاقات ساده زندگی‌مان را ساده ببینیم، بلکه آنها را عمیق ببینیم.

* انشاءالله به برکت سوره مبارکه فاطر، چشم و قدرت ذکری پیدا کنیم که از نعمت‌های اطرافمان غافل نشویم که همه اینها «نعمت‌اند» و «از جانب خدا هستند».

* اگر چنین اتفاقی برای کسی بیفتد، می‌تواند به حقیقت آیه ۲ پی ببرد که «عزت و حکمت از آن خداست» و می‌تواند به خزائن رحمت الهی دست پیدا کند و اگر کسی به این حقیقت دست پیدا کند به فاطریت خدا می‌رسد. یعنی می‌تواند همنشین حضرت فاطمه زهرا (س) شود.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر،

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین